

ناصر باقری بیدهندی



# آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی حسینی میلانی (قدس الله نفسه الزکیه)

مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج سید محمد هادی حسینی میلانی، فرزند آقا سید جعفر  
(رضوان الله تعالی علیه) یکی از مراجع برجسته و شخصیت‌های علمی بزرگ عالم تشیع در قرن اخیر  
می‌باشند.



## خاندان او

آیه الله آقا سید جعفر از علماء نجف اشرف، و از شاگردان مرحوم آیه الله العظمی آقا شیخ محمد حسن مامقانی و داماد ایشان بوده، و در جوانی به سال (۱۳۲۹ هـ) از دنیا رفته، و در رواق شمالی مرقد مطهر حضرت موسی بن جعفر و جواد الائمه (علیهم السلام) دفن شده است، او بیشتر به جهات معنوی معروف بوده، و مرحوم علامه مامقانی در تجلیل از مقام قدس و ورع آن مرحوم بعنوان «السید الفاضل التقی العدل الثقة الامین علی الدنیا والدین» یاد نموده است.<sup>۱</sup>

وی فرزند مرحوم آیه الله آقا سید احمد حسینی میلانی بوده که از شاگردان صاحب جواهر بشمار می رفت و چنانکه نقل شده در آذربایجان مرجع تقلید بوده اند و ایشان فرزند آقا سید مرتضی و وی فرزند آقا سید علی اکبر و او فرزند آقا سید اسدالله است که همگی از روحانیین جلیل القدر و مورد علاقه مردم بوده اند، و آقا سید اسدالله فرزند آقا سید حسین بوده که از سادات (شرفاء) مدینه محسوب می شده است و به همراه برادرش سید علی اکبر، بر حسب تقاضای مردم آذربایجان به آنجا رفته و در میلان تبریز از دنیا رحلت می کند و بطوری که نقل شده مرقدش زیارتگاه مردم آن حوالی است.

والده ماجده مرحوم آقای میلانی، دختر مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ محمد حسن مامقانی (م ۱۳۲۳) می باشد، وی بانوئی با جلالت و دارای ملکات فاضله بوده و مرحوم مامقانی درباره اش گوید: من خیر نساء عصرنا وانجهن واعقلهن.<sup>۳</sup>

۱- رک، مقدمه کتاب «محاضرات فی فقه الامامیه».

۲- مؤلف کتاب «بشری الوصول الی علم الاصول» و «ذرایع الاحلام فی شرح شرایع اسلام».

۳- مخزن المعانی ص ۲۴۱.



و مرحوم علامه حاج شیخ عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱) صاحب تنقیح المقال فی علم الرجال و منتهی مقاصد الانام فی شرح شرائع الاسلام و مرآة الکمال و مرآة الرشاد و... دانی مرحوم آقای میلانی و نیز پدر خانم ایشان بوده است.

## ولادت

معظم له در شب هفتم ماه محرم ۱۳۱۳ قمری در این خاندان علم و تقوی در نجف اشرف متولد شد و در مهد تربیت والدین خود رشد کرد ولی دیری نپائید که اجل پدرش فرا رسید و چراغ عمرش خاموش گشت و این کودک نورس از فیض محبت پدر محروم گردید.

## تحصیلات

آن مرحوم از سنین کودکی، تحصیل علم را آغاز کرد و مقدمات علوم را در خدمت اساتید عالیقدر حوزه علمیه نجف اشرف، چون مرحوم آقا میرزا ابراهیم همدانی و آخوند ملاحسن تبریزی و دیگران فرا گرفت و سطح را پیش عده‌ای از بزرگان مجتهدین چون آقا شیخ ابراهیم سالیانی (م ۱۳۴۳) و مرحوم آقا سید جعفر اردبیلی و مرحوم حاج میرزا علی ایروانی (صاحب حاشیه بر مکاسب و حاشیه بر کفایه، م ۱۳۵۴) و مرحوم آقای شیخ غلامعلی قمی (سامرائی) و دانی بزرگوارشان آقای شیخ ابوالقاسم مامقانی (م ۱۳۵۱) تحصیل کرد.

اساتید ایشان در درس خارج فقه و اصول عبارتند از:

- ۱- مرحوم آیه الله شیخ الشریعه اصفهانی (م ۱۲۳۹).
- ۲- مرحوم آیه الله میرزا محمد حسین نائینی (م ۱۳۵۵).
- ۳- مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (معروف به کمپانی م

(۱۳۶۱)

- ۴- مرحوم آیه الله آقا ضیاء الدین عراقی (م ۱۳۶۱).

و فلسفه را از محضر مرحوم آیه الله سید حسین بادکوبه‌ای (م ۱۳۵۸) و آیه الله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و اخلاق را نزد مرحوم میرزا علی قاضی (م ۱۳۶۶) و مرحوم سید عبدالغفار مازند رانی (م ۱۳۶۵) و علم مناظره و تفسیر را از علامه مجاهد و متفکر نامدار مرحوم حاج شیخ محمد جواد بلاغی و ریاضیات را از مرحوم آقا سید ابوالقاسم خوانساری (م





۱۳۸۰) فرا گرفت و جامع معقول و منقول گردید.

### مشایخ اجازة روایتی ایشان

- ۱- مرحوم آية الله حاج سيدحسن صدر (م ۱۳۵۴) مؤلف «تكملة امل الآمل» و تأسيس الشيعة لفنون الاسلام، وی از طریق ایشان از عامه هم روایت می‌کند.
- ۲- مرحوم حاج سيدعبدالحسين شرف الدين (مؤلف المراجعات م ۱۳۷۸) که اجازة روایت از علماء اهل تستن را هم به معظم له داده است.
- ۳- مرحوم محدث قمی (مؤلف سفينة البحار... م ۱۳۵۴)
- ۴- علامه مرحوم حاج شيخ آغا بزرگ طهرانی (م ۱۳۹۲) مؤلف الذريعة الى تصانيف الشيعة و...

### موقعیت علمی

مرحوم آية الله العظمیٰ میلانی یکی از مراجع موفق در قرن اخیر می‌باشد، زیرا ایشان توانستند آراء و انظار هر سه اسطوانة علمی عصر خویش (مرحوم آية الله العظمیٰ نائینی و مرحوم آية الله العظمیٰ اصفهانی و مرحوم آية الله العظمیٰ عراقی) را فرا گرفته و در دهه چهارم از عمر مبارک خود به مرحله اجتهاد برسند. علاوه بر اینکه جامع علوم اسلامی نیز بوده‌اند. ایشان از همان اوائل، مورد نظر بزرگان حوزه‌ها و فضلاء و مورد توجه و احترام همگان واقع شده و به دقت نظر و تحقیق معروف گشتند و... و مرحوم آية الله حاج شيخ محمدحسين اصفهانی ایشان را به عنوان أدق تلامذة خود معرفی کرده بودند.

حوزه درس ایشان در نجف اشرف کتاً و کیفاً با عظمت بوده و در آن حوزه بزرگ، شاگردانی محقق و متفکر تربیت کرده‌اند و به خاطر موقعیت علمی ایشان، مرحوم آية الله العظمیٰ آقای حاج آقا حسین قمی از آن مرحوم دعوت نمودند تا به جهت تقویت حوزه علمیه کربلا در آن جا اقامت گیرینند، ایشان دعوت را پذیرفته و طی اقامت چندساله در آن شهر مقدس که به تدریس اشتغال داشتند عده کثیری از فضلاء را به مراحل علمی شامخی رسانیدند.

به همین خاطر بود که وقتی ایشان به مشهد مقدس به قصد زیارت مشرف شدند،



علماء و فضلاء آن حوزه از حضورشان در خواست اقامت نمودند، حتی بعضی از فضلاء شاگردان آن مرحوم در نجف اشرف، چنان شیفته و دل‌باخته ایشان شده بودند که همراه ایشان به کربلا و سپس به مشهد رفته و تا آخر ایام حیاتشان، ملازم آن مرحوم بودند، همچنانکه پس از اقامت در مشهد مقدس، بعضی از فضلاء حوزه علمیه قم به قصد تلمذ در محضرشان به مشهد رفته و سالیان درازی در حلقهٔ درس معظم له حاضر شدند.

### تدریس

معظم له علاوه بر تدریس در عتبات، در مشهد مقدس هم یک‌دوره اصول و در فقه کتابهای صلاة، خمس و زکوة را تدریس فرمودند و آخرین درس ایشان در فقه، «مکاسب» بوده که تا شرائط العوضین را بحث کردند که مجموعه این ابحاث تحت عنوان محاضرات فی فقه الامامیه در ۱۰ جلد تدوین شده است.

### روش تدریس

ایشان نتیجهٔ مطالعات خویش را یادداشت می‌کرد و قبل از حضور در درس به این یادداشتها مراجعه می‌نمود.

معظم له پس از عنوان کردن مسأله مورد بحث، روایاتی را که قابل استدلال بود مورد مذاقه قرار می‌دادند و شیوهٔ آن مرحوم این بود که با نظر علمی و تحقیقی — که جامع بین دید عرفی و دقت عقلی بود — با روایات برخورد کنند و سعی وافر داشتند تا بین روایات متعارضه، جمع عرفی پیدا کنند و اگر روایات متعددی در مضمون واحدی وارد شده بود، به اسانید تک تک آنها، عنایت زیادی نکرده و اطمینان به صدور آنها پیدا می‌نمودند و هیچ روایتی را به صرف اینکه روات آن در کتب رجالی، مورد توثیق صریح قرار نگرفته‌اند، کنار نمی‌گذاشتند و حتی گاهی قوت متن روایتی موجب و ثوق ایشان می‌شد و در فقا دادن نیز معمولاً بافتوای مشهور مخالفت نمی‌کردند (گرچه در اصول، خلاف این را پذیرفته بودند).

### مفسر قرآن

مرحوم آیه الله العظمی میلانی به تلاوت قرآن مجید و تدبیر آیات و تدریس تفسیر در عرض تدریس فقه و اصول، عنایت و اهتمام خاصی مبذول داشتند و از این رو در حوزهٔ علمیه





کربلا درس تفسیر گذاشته و عده کثیری از فضلاء از بیاناتشان استفاده می‌کردند و بعضی از آنها مباحث را می‌نوشتند و تفسیر سوره «جمعه» و سوره «تغابن» از دروس ایشان به چاپ رسیده که متأسفانه هنوز بقیهٔ دروس به دست نیامده است، علاوه بر این، ایشان در اغلب جلساتی که با علماء تفسیر خصوصاً مرحوم علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان منعقد می‌شد، پیرامون معانی آیات کریمه مباحثات ارزنده‌ای داشتند.

ایشان حتی با فرزندان خود گاهی مطلب تفسیری جالبی مطرح می‌نمودند، تا بدینوسیله آنان را وادار به کار تفسیری و تشویق به تأمل در دقائق آیات بنمایند، از جمله اینکه روزی بر سفره غذا خطاب به فرزندان خود فرمودند: معنای آیه مبارکه: **إِنِّي مَغْلُوبٌ فَاقْتَصِرْ** چیست؟ یکی از حاضرین جوابی داد ایشان نپذیرفتند، یکی دیگر از آنان عرض کرد: شاید تعبیر حضرت نوح علیه السلام به فائز برای افاده شدت ارتباط بین مُرْتَبِل و رسول است که شکست رسول، شکست مرسل است، عرض می‌کند: خدایا من که رسول تو هستم مغلوب شدم پس پیروزم گردان، ایشان فرمودند: آنچه به ذهن می‌آید همین است، بنابراین خواندن این آیه در قنوت نماز به عنوان دعا — چنانکه از بعضی شنیده می‌شود — بی‌مورد است، سپس در مراجعه (به مفردات راغب) مشاهده شد که این کتاب نیز آیه را چنین معنی کرده است.

### تبحروی در علم الحدیث

ایشان علاوه بر فقه و اصول و کلام و فلسفه، مطالعات گسترده‌ای در علم حدیث داشت و در این زمینه مدت هشت سال با مرحوم آیه الله حاج شیخ علی قمی (م ۱۳۷۱) دربارهٔ علم حدیث مباحثاتی داشت و نسخه کتاب «وسائل الشیعة» خود را با نسخه‌ای که به خط مرحوم شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴) نوشته شده بود، مقابله و به مدارک آن مراجعه نمودند.

### آیه الله فقیه و ادبیات

آن مرحوم بر ادبیات فارسی و عربی تسلط زیادی داشتند و دارای خطی زیبا و انشاء و املاء جالبی بودند خوب شعر می‌گفتند و احیاناً با ادبای معاصر خود مانند مرحوم شیخ محمد سماوی (م ۱۳۷۰) و سید محمد علی خیرالدین و مرحوم شیخ جعفر نقدی (م ۱۳۷۰) و مرحوم آقا

.....  
۱- سوره قمر آیه ۱۰.



میرزا محمد علی اردوبادی (م ۱۳۷۰)، جلساتی داشته‌اند. مکاتبات معظم له بهترین شاهد بر قریحه ادبی وی می‌باشد و اشعار باقی مانده از ایشان که در ایام جوانی به عربی سروده‌اند از مهارتشان در ادبیات حکایت می‌کند از جمله شعری است که خطاب به امام زمان (عج) دارند که چند بیت آن را می‌آوریم:

الی مانتظارک یابن الحسن وقد اظلم الکون داجی الفتن  
یابن الحسن تاکی چشم به راه توبنشینم که ظلمت فتنه هازمین وآسمان راتیره وتارکرده است.  
الی م نحتیر وحتی منی بطول النوی ونیداری الشجن  
سرگردانی تاکی واین جدائی دردناک تاکی طول خواهد کشید و تاکی با غم‌ها و اندوه‌ها باید بسازیم.

فدیناک من غائب یرتجی ومن حاضرفی القلوب استکن  
فدایت شوم ای که، چشم‌های امیدوار جهان براهت دوخته شده و ای که در دل‌های پرسوز دلداد گانت حضور همیشگی داری.

فلاسلوعنکم وفی قریکم نری السلوعن کل مافی الزمن  
هرگر، ولحظه‌ای از دل‌های آکنده از عشق دلداد گانت فراموش نمی‌شوی و در کنار تو است که زمین و زمان را فراموش باید کرد.

ولایهنا العیش طول النوی ولا تنألف العین طیب الوسن  
دوری تو زندگی را برای ما تلخ و خواب آرام را از چشمان ما ربوده است.

اما آن یابن الاطمینان نقر العینون وتجلسی المحن  
ای فرزند تابناک پاکان، آیا وقت آن نرسیده است که دیدگان چشم براهان را روشن کنی و درد و اندوه از دل‌های آنان بزدانی؟

اغثننا أبا غوثنا وارعتنا فانت رجا المبتلی الممتحن  
ای دادرس مابداد برس و ما را زیر چتر حمایت خود قرار بده که تو امید مبتلایان و محنت زدگانی.

اغث یاحمی الدین شرع الهدی فانت حماه اذا ما ائتمن  
ای حامی دین بداد شریعت روشنائی بخش برس که توئی تنها حامی آن وقتیکه نیاز به حمایت دارد.





## آثار علمی

فقید سعید مؤلفات علمی و آثار گرانبھائی از خود به یادگار گذاشت که هر کدام گواه زنده ای بر عظمت فکری و تلاش مستمر علمی آن بزرگ مرد می باشند:

### الف: آثار علمی چاپ شده

- ۱- تفسیر سورة الجمعة والتغابن با پاورقیهای آقای سید محمد علی میلانی.
- ۲- ۱۱۰ پرسش با پاورقیهای آقای سید محمد علی میلانی، در بردارنده مباحث مختلف تفسیری تاریخی، اعتقادی و...
- ۳- محاضرات فی فقه الامامیة ۱۰ جلد، تاکنون کتاب الزکاة ۳ ج، کتاب الخمس یک جلد، صلاة المسافر یک جلد چاپ شده و بقیه آماده چاپ است.
- ۴- قادتنا کیف نعرفهم؟ ۹ جلد، یکدوره زندگانی و فضائل و مناقب چهارده معصوم (علیهم السلام) از مدارک شیعی و سنی و مشتمل بر مطالب و نکاتی است که در کتابهای دیگری که در این زمینه نوشته شده، کمتر دیده می شود. این اثر با پاورقیهای سید محمد علی میلانی در بیروت به چاپ رسیده است.
- ۵- حاشیه بر عروة الوثقی، تا آخر اعتکاف
- ۶- نخبة المسائل، رسالة عملیه طبع نجف ۱۳۷۰ ق، ۲۱۹ صفحه رقی.
- ۷- مختصر الاحکام، ۲۴۳ صفحه، ۱۳۴۱ ش
- ۸- مناسک حج، ۷۷ صفحه، ۱۳۷۴ ق

### ب: آثار چاپ نشده

- ۱- حاشیه المکاسب، احتمالاً ۴ جزء و تحت عنوان محاضرات فی فقه الامامیه به چاپ خواهد رسید. ضمناً این مبحث آخرین بحث فقهی معظم له می باشد و تا «شرائط العوضین» مورد بحث واقع شده است.
- ۲- قواعد فقهیه و اصولیه
- ۳- رسالة فی التأمین والیانصب، فقید سعید اولین فقیهی است که در مورد بیمه و بلیطهای





۹

بخت آزمائی، بدنبال سؤال یکی از تجار رساله مستقلى نوشته اند.

۴- حواشی بر کتاب الهدی الی دین المصطفی تألیف استاد خود علامه مجاهد بلاغی

۵- کتاب استدلالی در مزارعه و مساقات

۶- کتاب استدلالی در اجاره

۷- شرح استدلالی بر مباحثی از کتاب صلوة شرایع

۸- رساله ای در منجزات مریض

### ملکات فاضله

چنانکه گذشت مرحوم آیه الله العظمی میلانی در یکی از بیوت علم و تقوا چشم به جهان گشوده و رشد کرده است ایشان علاوه بر شرافت خانوادگی و خصوصیات اخلاقی - به ارث برده از آباء کرامشان - همواره در تهذیب و تزکیه نفس کوشا و در راه رسیدن به مراتب عالیة معنوی سعی فراوان داشته اند، و حتی دروس سطح را نزد اساتیدی حاضر شدند که از نظر ورع نیز نمونه های بارز عصر خویش بوده اند حتی در این خصوص از محضر اساتیدی همچون مرحوم آقای قاضی و آقا سید عبدالغفار مازندرانی کسب فیض نموده، تا اینکه خود یکی از مریبان اخلاقی و نمونه های انسان کامل گردیدند، در اینجا به گوشه ای از حالات پسندیده و ملکات فاضله و صفات حمیلة آن مرحوم اشاره می شود.

### احترام به استاد

ایشان به اساتید خود احترام زیادی می گذاشتند و در برابرشان اظهار کوچکی می نمودند، این حالت ایشان مخصوصاً در حضور استادشان مرحوم حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی، خیلی مشهود بود، هرگاه ایشانرا ملاقات می کردند دست ایشانرا می بوسیدند و پشت سرشان حرکت می کردند و چون به نماز می ایستادند به ایشان اقتداء می نمودند.

### تواضع

ایشان نسبت به همه مردم متواضع بودند، عالی و دانی، عالم و عامی و خلاصه همه اقشار مردم و طبقات اجتماع را احترام می کردند و از هر یک از واردین به تناسب شأن او



استقبال می نمودند و چون در اثر کثرت جمعیت و یا بجهت دیگر از تواضع نسبت به شخصی غفلت می شد بالحن شیرین و مخصوص خود، معذرت خواهی می کردند.

### وقار و ادب

ایشان بسیار مؤدب و با وقار بودند، هیچ وقت با صدای بلند صحبت نمی کردند، خنده ایشان هیچ وقت به صورت قهقهه نبود، همیشه دو زانو می نشستند، ایشان شاگردان و نزدیکان خود را همواره به متانت و وقار توصیه می کردند حتی به مناسبتی خطاب به بعضی از فرزندان گفتند: من فریفته وقارم.

### اباء از ریاست

ایشان با اینکه بعضی از علماء حوزه ها و بلاد، قائل به اعلمیتشان بودند، هیچگاه به فکر بدست آوردن ریاست و زعامت نیفتاده، بلکه از تصدی آن اکراه داشتند، قضیه زیر حاکی از این روحیه پاک است:

در ایام درگذشت یکی از مراجع بزرگ نجف اشرف، فرزند ایشان به خدمتشان عرض کرد: آقا زادگان آقای... بعد از پدرشان شما را جهت تقلید معرفی می کنند، هنوز صحبت او تمام نشده بود که مرحوم آقای میلانی شدیداً متغیر شده و با عصبانیت گفتند: تو خیال می کنی این بشارت است به من می دهی؟ تو فکر می کنی من خوشحال می شوم؟ اینها وهم است، خیال است من از وضع خودم نگران هستم، می ترسم از عهده جواب آنچه هست بر نیایم شما به من اطلاع می دهید که بارم سنگین تر خواهد شد.

### اخلاص

ایشان در خدمات فردی و اجتماعی، از خودنمایی پرهیز داشتند، مثلاً وقتی از بازماندگان بیوتات علمی تفقد می نمودند طوری عمل می کردند که احدی با خبر نمی شد، ایشان می فرمودند: این وظیفه من است و بایستی بنحوی باشد که کمترین خدشه ای بر حیثیت این عزیزان وارد نشود.

وقتی می خواستند مبلغین حوزه را به اطراف و اکناف اعزام کنند از جمله توصیه های



ایشان این بود که راضی نیستم نام مرا ببرید و اگر از شما بپرسند که از جانب چه کسی آمده اید؟ بگوئید: از جانب حضرت ولی عصر ارواحنا فداء.

وقتی در جریان زلزله کاسخک و گناباد، عده کثیری از طلاب حوزه علمیه مشهد مقدس را جهت یاری رساندن به آسیب دیدگان و انجام وظائف شرعی در گذشتگان به منطقه اعزام داشتند، به آنها گفتند: مبدا اسمی از من بیاورید، شما فرستادگان حضرت بقیة الله هستید و بهمین جهت بر تابلو محل استقرار هیئت اعزامی فقط نام حضرت ولی عصر ارواحنا فداء نوشته شده بود.

نمونه دیگر، اینکه در ارتباط با اداره امور مدرسه حقانی قم، با اینکه بودجه آنجا را تأمین می‌کردند لکن هیچ نوع دخالتی در اداره آن نمی‌نمودند.

### شدت علاقه به اهل بیت علیهم السلام

ارادت آقای میلانی (قدس سره) به ساحت قدس ولایت حضرات معصومین (علیهم السلام الله) غیرقابل وصف بود، این ارادت در همه احوالشان مشهود بود، در موقع تشریف به زیارت، در مجالس سوگواری و یا اعیاد، در گفتار و مکاتبات، و حتی در کتابخانه شخصی خود، بالای سرشان تابلویی بود که نام حضرت ولی عصر عجل الله فرجه بر آن نقش بسته و در زیر آن این بیت به چشم می‌خورد:

بالای سرم نام تو را نقش نمودم یعنی که سر من به فدای قدم تو

مرحوم میلانی همه فیوضات را به واسطه اهل بیت می‌دانستند و معتقد بودند که کلید همه توفیقات و راه رسیدن به مراتب عالیہ علمی و عملی منحصر است به توسل به مقام ولایت، لذا می‌بینیم در نامه‌ای که به یکی از احفاد خود مرقوم داشته‌اند می‌نویسند:

«عمده راه استکمال فضیلت چهار چیز است: یکی معارف، دوم تقوی، سوم فقه و اصول آن، چهارم مکارم اخلاق، که اجتماع این چهار رکن بسی مهم است، و هوالمستعان سبحانه و تعالی. و دعا کردن و توسل به مقام ولایت نمودن و توجه مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداء را در خواست نمودن، وسیله بزرگی است که به این ارکان اربعه نائل شوید ان شاء الله تعالی.»

• • •





## خاطره‌ای از مرحوم آیه الله حائری

در زندگانی مرحوم آقای میلانی قضایا و مسائل بسیاری رخ داده که در آنها عنایات اهل بیت نسبت به ایشان بطور آشکار دیده شده و در مجموع، بر وجود ارتباط خاصی دلالت دارند، ما در اینجا به خاطره استاد آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری (قدس سره) که به قلم خودشان نوشته شده بسنده می‌نمائیم:

«در بعضی از سنین، گرفته حال بودم، شب در حیاط منزل خوابیده بودم، خواب دیدم کسی به من گفت برو به مشهد خرجت با آقا— در عالم خواب معلوم بود که مقصود امام زمان (علیه السلام) است نه حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام والصلاة)— تابستان بود، رفتم و شاید حدود دو ماه و نیم در مشهد بودم، گاهی پولم تمام می‌شد، یک اسکناس مثلاً در دالان مسجد گوهرشاد پیدا کردم، نزدیک به آمدن، یک ششم از کتاب «وسائل الشیعه» را که به خط خود مؤلف بود و از این جهت جنبه باستانی داشت و دارای نفاست بود که از مرحوم آقای سید محمد حجت استاد که پدر زوجه اینجانب بود به زوجه من ارث رسیده که به مشهد مقدس آورده بودم که به آستانه مقدسه بفروشم، در صدد فروش برآمدم، و آن کتاب را بنا بر آنچه حافظه مدد می‌کند به هزار و پانصد تومان فروختم و بهای آن که مال خانم بود نزد من ولی اختیار استقراض داشتم، بلیط قطار گرفته بودم نزدیک حرکت برای وداع به آستان قدس، شرفیاب شدم و از آنجا مراجعت می‌کردم که از این پول، دین خود را به مرحوم پسر عموی محترم آقای حاج حسینعلی دادگر بردازم، در بین راه منزل آن مرحوم، منزل مرحوم آقای حاج سید محمد هادی میلانی بود و ابدأ خیال نداشتم به آنجا بروم، در بین راه بطور شوقی با خود حدیث نفس کردم و شاید مقرون به زمزمه بود که ما نفهمیدیم خرج با آقا چطور شد؟ اینکه من کم پول بشوم و از پول خانم بردارم و بعداً بردازم، اینکه طرز خرج دادن نیست! در این بین بدون هیچگونه ارتباطی بین این خیال و رفتن منزل آقای میلانی، یک بار بنظرم رسید که سری به بیرونی آقای میلانی بزنم، به این داعی که آقای آقا سید محمد حسن جزائری— فرزند بزرگ آقای حاج سید صدرالدین جزائری— را ببینم، چون من آقای حاج سید صدرالدین را خیلی دوست داشتم، واقعاً دوست داشتنی بود، ملاً و پاک و صاف و رک و متدین بود و بسیار رفیق بود خداوند غریق رحمتش کند پسرایشان که نام مبارکش ذکر شد، در محبت افراط می‌کرد، علی الظاهر به واسطه تصادف با ماشین کسالت سختی پیدا کرد که بهتر شده بود و دوران نقاهت خود را



در مشهد منزل مرحوم آقای میلانی میگذرانید - که منزل خاله اش بود و از جهتی منزل همشیره اش هم - با خود گفتم برم یک احوالی از این سید محترم بپرسم که خبر سلامتی و خوشیش را برای والد محترمش ببرم من که رفتم بیرونی مرحوم آقای میلانی، حتی ننشستم خیلی سید بزرگوار جزائری محبت کرد و پس از آن آقای آقا سید محمدعلی که پسر آقای میلانی و داماد آقای جزائری پدر و پسر خاله جزائری پسر بود، من گفتم که من هیچ کاری ندارم، فقط آمدم احوال آقا سید محمد حسن را بپرسم و خبر سلامتی اش را به تهران ببرم، این سادات کرام ما را رها نکردند، گفتند که الآن آقا میخواهد بیاید، گفتم: من نمیخواهم زحمت به ایشان بدهم، دیدم که از آنطرف دارد تشریف می آورد، و علی الظاهر در وسط حیاط با معظم له روبرو شده و مصافحه و خداحافظی کردیم و من عجله داشتم که بروم قرض آقای دادگر را بدهم و بروم خط آهن، این دو سید بزرگوار پسر خاله، ما را رها نکردند و گفتند ما هم با شما به خط آهن می آئیم، ظاهراً من رفتم اداء دین را کردم و خودم رفتم، دیدم آنها هم به ایستگاه آمده اند، من خیلی اظهار تشکر و شرمندگی کردم، چون من اصولاً و طبعاً تشریفاتی نیستم، با آنها خداحافظی کردم و رفتم در کوچه مربوط به خودم. نزدیک به حرکت قطار آقای آقا سید محمدعلی، پاکی در دست من گذاشت و ابدأ منتظر عکس العمل نشد و شاید یک دقیقه به حرکت قطار نداشتیم و فرصت تعارف به من نداد و رفت و قطار حرکت کرد. من پاکت را باز کردم دیدم که مشتمل بر چند عدد اسکناس است که الآن درست یادم نیست و مرحوم آقای میلانی مضمون بکری در آن نوشته بودند که این وجه از طرف من یا مال من نیست که از کمی آن معذرت بخواهم و این سهم مبارک امام (علیه السلام) یا از طرف آن بزرگوار است. تا به حال نشده است کسی چنین عذرخواهی بامن در دادن وجه بشماید، آن وجه هر چه بود به اندازه مبلغی بود که با اداء دین پول کتاب خانم بمقدار رسیدن به منزل بود، یاد دارم که پنج قران زیاد آمد که آنها مقتضی بود به درشکه چنی بدهم و سوار شوم و پیاده به منزل آمدم و آن پنج قران زیاد ماند.

صدای هانف در خواب که گفته بود: خرج با آقا می باشد، مطابق با واقع بود بدون آنکه علل و اسباب آنرا قطعاً او احتمالاً یا توهماً خودم آماده کرده باشم:

جمله ذرات زمین و آسمان لشکر حقند پیدا و نهان

حتى تصمیمات و عزیمتها و فسخها عرفت الله بفسخ العزائم و تقضی الیهتم.

من تصمیم داشتم منزل آقای دادگر بروم نه منزل آقای میلانی، من تصمیم داشتم با





آقای میلانی ملاقات نکنم، من تصمیم داشتم تنها به ایستگاه بروم، همه تصمیمات صورت تحقق پیدا نکرد، یا بفسخ عزیمت از طرف خودم یا از خارج، والله المستعان فی الخوف و الامان».

### حلم

ایشان سردرس خیلی حلیم و بردبار بوده و با توجه کامل به اشکالات شاگردان گوش می داد و اگر اشکال بی مورد بود عصبانی نمی شد و در صورتی که اشکال، منطقی به نظر می رسید مستشکل را تشویق می کرد.

حضرت آقای سیدحسین شمس - یکی از تلامذه ایشان - گوید:

«مرحوم آیه الله میلانی - رضوان الله تعالی علیه - جامع همه چیز بود، صفات و ملکات خوبی داشت، مرد متفکری بود. ... بسیار مؤدب بود و دو زانو در مجلس می نشست، هیچ وقت از کسی بد گوئی نمی کرد، حتی از کسانی که به ایشان کم محبت بودند. عفت زبان داشتند، بسیار محتاط در اعمال و کردار بودند، انسان وقتی در مجلس ایشان دو ساعت هم می نشست، ایشان از هیچ کس سؤال نمی کرد، کی چه هست؟ کی چگونه شد و نقدی و انتقادی از کسی نمی کرد، ابدأ، مگر انسان از او سؤال می کرد که او پاسخ می داد و الا ایشان هیچ نمی گفت»<sup>۱</sup>.  
از ایشان پرسیده بودند که راه مجتهد شدن کدام است؟ در پاسخ فرمودند: مرحوم آقای نائینی می فرمودند: نماز شب خواندن شرط اجتهاد نیست و لکن بی دخالت هم نیست<sup>۲</sup>.

و خود معظم له تداوم عجیبی نسبت به نماز شب داشته اند.

دیگر از خصوصیات ایشان پرهیز از اسراف بود، مثلاً نامه هائی را که دریافت می کردند، اگر برگه دوم آن سفید بود، جدا کرده و در مکاتبات خود از آنها استفاده می کردند. امتیاز دیگر او این بود که در موقع مرگ جز مقداری کتاب و تعدادی فرش چیز دیگری نداشت زیرا منزل مسکونی او در توسعه میدان آستانه، تخریب شد و هر چه خواستند پول این منزل را پردازند و یا منزلی برایش تهیه کنند، نپذیرفت و می فرمود من آخر عمرم هست و احتیاجی به منزل احساس نمی کنم.

.....

۱- مجله حوزه سال سوم ش ۱۳ ص ۲۰.

۲- مجله حوزه ص ۲۷





## مسافرت‌های ایشان

در سال ۱۳۷۰ به حج مشرف شدند، و یک سفر در سال ۱۳۵۹ به سوریه و لبنان داشتند، و خاطرات جالبی از ملاقات‌های خود با مرحوم علامه شرف‌الدین نقل می‌فرمودند و چند سفر هم به ایران آمده بودند که در سفر اخیر در مشهد مقدس اقامت گرفتند.

### در مشهد مقدس

در تابستان سال ۱۳۷۳ به قصد زیارت حضرت رضا (علیه الصلاة والسلام) وارد مشهد مقدس شدند، و از روز ورودشان، علماء و فضلاء حوزه و طبقات مختلف مردم، تقاضا و اصرار نمودند که معظم له برای تدریس و اداره شئون حوزه علمیه مشهد در این شهر اقامت نمایند ایشان که برای زیارت آمده بودند موافقت نکردند و بنا داشتند به کربلا برگردند، لکن با اصرار آقایان ملزم به استخاره شدند و آیه مبارکه: **وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُذَ اللَّهُ وَهَرَّ خَيْرٌ الْحَاكِمِينَ** متقاعد کرد که مدت سه ماه توقف کنند و در همین مدت کوتاه تصمیم گرفتند بحثی را شروع کرده و تدریس نمایند که تدریس ایشان فضلاء را مصمم تر کرد خواستار اقامت همیشگی ایشان گردند و آن مرحوم با قبول این تقاضا، عزم رحیلشان را مبدل به اقامت کردند. و تدریس خود را در مسجد گوهرشاد ادامه داده و به تربیت فضلاء پرداختند و بعد از مدتی شاگردان بسیاری در محضر ایشان به مقام استادی رسیدند.

مرحوم آقای میلانی (قدس سره) همواره - ضمن تدریس - در فکر تنظیم و تجدید حوزه علمیه مشهد مقدس بودند، و بدین منظور برنامه‌های وسیعی داشتند، که دعوت از اساتید جهت اقامت در مشهد و تأسیس مدارس علمیه از جمله آن برنامه‌ها بود. ضمناً پس از رحلت مرحوم حاج شیخ حبیب‌الله گلپایگانی در جای ایشان در گوهرشاد نماز می‌خواندند و تابستانها هم در صحن نواقامه جماعت می‌کردند.

• • •

۱ - سوره بقره آیه ۱۰۹.



## مدارس ایشان در مشهد مقدس

معظم له در مدت اقامت بیست و چند ساله خود در مشهد، مبداء یک رشته تحولات مفید و سودمند واقع شدند، از جمله چهار مدرسه با یک طرح ریزی دقیق تأسیس کردند، یکی مقدماتی که در آنجا مقدمات علوم دینی تدریس می‌شد، و دومی اختصاص به مرحله سطح داشت که پس از فراغ از مرحله مقدمات، محصل به آن مدرسه منتقل و تحصیلات خود را تا مرحله درس خارج طبق برنامه دقیق ادامه می‌داد و در اینجا محصلین - بر حسب استعدادها - به دو گروه تقسیم می‌شدند، زیرا مرحوم آقای میلانی معتقد بودند همچنانکه ما فقیه لازم داریم مبلغ کامل، مجهز به زبانهای خارجی و دارای مطالعات وسیع در علوم دیگر اسلامی نیز لازم داریم، بنابراین عده‌ای به جهت گذراندن دوره تخصصی در فقه و اصول به مدرسه «امام صادق علیه السلام» می‌رفتند و عده‌ای به مدرسه عالی «حسینی» که در هریک اساتید برجسته‌ای مشغول تدریس در دروس اختصاصی خود بودند و جزواتی در مواد درسی خود تنظیم کرده و در اختیار طلاب قرار می‌دادند.

و در حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۳ مدرسه منتظریه (حقانی) تأسیس شد ساختمان آن توسط دو تن از نیکوکاران به نام آقایان حاج علی حقانی و حاج حسن، بنا شده و مخارج اجراء برنامه‌های تحصیلی آنرا مرحوم آقای میلانی می‌پرداختند، که بعدها سایر مراجع نیز مساعدت نمودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## اعزام مبلغ

آن مرحوم به امر تبلیغ نیز اهتمام خاصی داشتند و بدین منظور عده کثیری از طلاب، طبق ضوابط معین انتخاب شده بودند و به امر ایشان روزهای پنجشنبه و جمعه برای تبلیغ و ارشاد مردم به اطراف مشهد اعزام می‌شدند و از این طریق تعداد زیادی حمام و مسجد در روستاها ساخته شد و بخاطر اهمیت این کار و حساسیت آن، گاهی مرحوم آقای میلانی تذکراتی به این مبلغان می‌فرمودند و برای آنها صحبت می‌کردند و در مورد چند نکته تأکید داشتند.





- ۱- اسم نیاوردن از ایشان
- ۲- حسن اخلاق با مردم
- ۳- انس گرفتن بیشتر با فقراء و ضعفاء محل
- ۴- دخالت نکردن در امر تقلید مردم و اینکه فتوای مقلدین خود آنها گفته شود
- ۵- متوجه کردن مردم به اهل بیت و حضرت ولی عصر ارواحنا فداه
- ۶- خواندن دعای کمیل در شب جمعه و دعای ندبه در صبح جمعه
- ۷- قبول نکردن هدیه از مردم.

### آثار دیگر

علاوه بر مساجد و حمامهای زیادی که در اطراف و اکناف به امر ایشان ساخته شد، مدارس علمیه بسیاری از شهرستانها نیز تعمیر و ترمیم گردیده است. و بطور کلی می‌توان گفت که ایشان در احداث یا تداوم اغلب بناهای دینی و مدارس علمی و مؤسسه‌های خیریه منطقه خراسان و بعضی از شهرهای دیگر سهم بودند.

### اهتمام به شئون مسلمانان خارج از کشور

ایشان کمکهای شایان مادی و معنوی به مبلغان و نویسندگان اسلامی مقیم خارج مخصوصاً در اروپا می‌نمودند و به تأسیس مراکز تبلیغی در آن بلاد عنایت خاصی داشتند و در این راستا اتمام مسجد هامبورگ را که به امر مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در آلمان ساخته شده و به اتمام نرسیده بود به عهده گرفتند.

ایشان در مواقع لزوم برای مسلمانان مقیم خارج پیام می‌فرستادند، و رهنمودهایی ارائه می‌دادند، از جمله پیام ایشان به کنگره نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشجویان مقیم اروپا در شهر لندن در سال ۱۳۴۲ ش می‌باشد.

### نقش آیت الله در نهضت اسلامی ایران

قدمت مبارزات مرحوم آیه الله میلانی علیه رژیم پهلوی بر همگان روشن و آشکار است





و آن مرحوم یکی از چهره های برجسته و شناخته شده بین مبارزین در نهضت اسلامی ایران بودند و مخصوصاً بعد از قضیه انجمنهای ایالتی و ولایتی، فعالیتهای معظم له، همراه دیگر مراجع بزرگ، چشم گیر و قابل توجه بود. از جمله در تاریخ جمادی الثانی ۱۳۸۲ در تلگراف شدیدالحنی، عواقب تصویب این لایحه را به نخست وزیر وقت گوشزد می کنند.

و در تاریخ ۴۱/۱۱/۲۸ در اعلامیه ای ضمن اعلام عدم جلوس برای عید، مظالم دستگاه ستمشاهی را به ملت مسلمان ایران گوشزد کردند، متن اعلامیه چنین است:

ملت مسلمان ایران، همه ساله در طلیعه سال نوطبق عادات جاریه، مردم این مملکت عیدی داشته و مراسمی عمل می گردید، ولی با کمال تأسف آنچه در گذشته بر ملت ما گذشت دلی شاد و خاطری آسوده باقی نگذاشت، در این مدت هیئت حاکمه و زمامداران از هیچ تجاوزی به حقوق فرد و اجتماع دریغ نکرده، گستاخی را تا آنجا کشاندند که قوانین آسمانی اسلام را مورد ملعبه قرار داده و بدون توجه به خشم عمومی ملت مسلمان به حریم احکام شرعیه که در حکم نوامیس الهی می باشد تجاوز کردند و هم اکنون جمعی از علماء و رجال متدین و استادان و دانشجویان دانشگاههای مملکت در زندان بسر می برند، از هر طرف ابتلاء و فقر و گرسنگی ملت ما را تهدید می کند.

بی کاری و فساد و تجاوز عمال حکومت به حقوق انسانی افراد، نقطه ای را خالی نگذاشته، تنها چیزی که مورد توجه نیست، حقوق ملت و مصالح آنها است، معلوم نیست تا کی مهلت پیدا کنند و عاقبت کار به کجا برسد؟ روشن است در این شرایط، روحانیتی که خود را شریک غم و شادی ملت مسلمان ایران می داند، هرگز عید و مراسم آن را نخواهد داشت، جز آنکه متوسل به اولین شخص عالم امکان حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء شده و از درگاه خداوند متعال جَل و علا مسئلت نماید در سال جاری فرجی برای ملت مسلمان و عموم برادران ایرانی روی دهد و آسایش روحی و فکری حاصل آید. والسلام علی من اتبع الهدی  
محمد هادی الحسینی المیلانی

و بعد از فاجعه مدرسه فیضیه که منجر به کشته و مجروح شدن عده ای از طلاب گردید، ضمن نامه ای به مراجع معظم قم چنین مرقوم داشتند:



حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمين آيت الله آقاي... دامت برکاته  
باهداء سلام و تحیت وافر، از مساعی جمیله در راه تمشیت مصالح دین و ملت  
تقدیر نموده و از درگاه متعال صحت و سلامتی جنابعالی را مستلت می‌نمایم، از  
حال صدمه دیدگان و مجروحین اهل علم قم که به دستور سازمانهای انتظامی  
مدتی قبل از بیمارستان اخراجشان کرده‌اند اطلاع تفصیلی نداشته و بسی نگرانم  
بالاخره نمی‌دانم با نبود وسائل کافی، به طلاب جوان و مجروح چه گذشته است و  
و بازماندگان مقتولین در چه حالتی و آلی الله المشتکی و آلی ولیه القهیدی آرواحنا فداه  
ترفع الشکوی، همانگونه که استظهار می‌شود، آینده تیره و تاریک است و شاید  
هیئت حاکمه، علیه مصالح دینی و ملی، تعداد این نوع مجروحین و مصدومین را به  
حدی رساند که نه آنکه در بیمارستان جایشان ندهد بلکه همه بیمارستانها پر شود و  
جائی باقی نماند، حتماً توجه دارید بلکه بهتر می‌دانید در حال حاضر مصالح دینی  
و ملی، مورد تهدید و تجاوز هیئت حاکمه فاسد و عقاب مقامات غیرمسئول، قرار  
می‌گیرد، عجیب است اگر مسلمانی در چنین شرایط به خود اجازه سکوت داده و  
در صدد دفاع از کیان اسلام برنیاید. ما از حمله و یورش چنگیزانه به ساحت حوزه  
مقدسه علمیه قم گذشتیم، از حبس و زجر رجال دینی و ملی گذشتیم، از حمله به  
دانشگاه و مراکز علمی ملت و سلب هر نوع آزادی فردی و اجتماعی چشم پوشیدیم،  
از دزدی و فساد و تباهی و تجاوز به مردمان صالح و تقویت دزدان و خیانت کاران  
گذشتیم، از برادرکشی هائی که در نقاط مملکت ترتیب داده‌اند، صرف نظر  
کردیم!

این ننگ را کجا ببریم که مملکت اسلامی ما را دارند پایگاه اسرائیل و  
صهیونیست می‌کنند و نیز افرادی را که با آنها همدستند، در رأس کارها قرار  
می‌دهند!!

همان طور که بر خاطر مبارکتان پوشیده نیست. وقتی فساد هیئت حاکمه موجب  
شود که از حمایت افراد ملت محروم بماند، برای حفظ و نگهداری خود به هر  
جنایتی دست می‌زند، از هیچ خیانتی به مملکت در راه حفظ خود چشم نخواهد  
پوشید، و این وظیفه حقیر و جنابعالی و دیگر زعمای دینی است که بحول الله





تعالی وقوته، مقاومت کرده، از ناموس اسلام و از حریم مملکت اسلامی دفاع  
نمائیم....

۲۲/ ذی الحجة ۱۳۸۲

محمدهادی الحسینی الميلانی

و بعد از قیام شکوهمند ۱۵ خرداد و دستگیری و زندانی شدن حضرت امام (مظله العالی) چون رژیم تهدید کرده بود که: «دستگیر شدگان در دست ما گرفتارند، دادگاه صحرائی تشکیل می‌دهیم و آنها را محاکمه و اعدام می‌کنیم». مرحوم میلانی برای دفاع از کیان اسلام و مرجعیت شیعه، بدون اطلاع قبلی و به طوری که مقامات محلی، خبردار نشوند به وسیله هواپیما عازم تهران می‌شوند و لکن بعد از پرواز در حالی که هواپیما به نیمه‌های راه رسیده بود، مزدوران شاه از قضیه با خبر شده و هواپیما را به مشهد برمی‌گردانند و در نتیجه آن مرحوم از راه زمینی و باز بدون اطلاع مأمورین، خود را به تهران رسانده و طی تلگرافی خدمت حضرت امام دامت برکاته چنین مرقوم داشتند:

طهران، زندان، حضرت حجة الاسلام والمسلمین آیت الله آقای خمینی رونوشت  
حضرت... دامت برکاتهم.

بازداشت حضرتعالی و بقیه آیات و حجج و مبلغین و اساتید دانشگاه و سایر اشخاص محترم با ایمان در ایام عزاداری حسینی (علیه الصلوات والسلام) به جرم اظهار حق و امر به معروف و نهی از منکر بسیار موجب تأثر است، البته تأسی به حضرت سیدالشهداء نموده‌اید که جرم آن بزرگوار همین بود، ای کاش اولیاء امور از واقعه کربلا عبرت گرفته و دست به چنین عملی نمی‌زدند، گرچه با این پیش آمد، عظمت دین و آئین جلوه‌گر شد و مردم دنیا فهمیدند آزادی در این مملکت نیست و اختناق مردم به جایی رسیده است که بزرگان کشور و رجال مذهب که از خود گذشته و دانسته‌های خود را به مردم می‌رسانند تا جلوگیری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی نمایند و مردم را از بدبختی نجات دهند، دستگیر و زندانی می‌شوند، بسی جای شگفتی است علماء و دانشمندان در سایر ممالک حایز اهمیت و احترام باشند و در ایران در گوشه‌ای به سربرند (إلی الله المشتکی) خواستم به طهران آیم و از نزدیک پشتیبانی و هم‌آهنگی خود را اعلام کنم و



بگویم آنچه شما گفته اید گفته همه روحانیین بلکه گفته اولیاء خدا و ائمه اطهار (علیهم السلام) است، هواپیما را از بین راه برگردانیدند، اکنون در همین زندان خانه، به چاره جوئی پرداخته ام و در راه استخلاص آقایان با همه قوا به حول و قوه الهی می کوشیم و تا وسیله آسایش و رفع گرفتاری آقایان نشود و اولیاء امور از تصمیم غیرمشروع خود دست برندارند، ساکت نخواهیم نشست، بر همه مسلمانان لازم است به وظیفه ارادتمندی عمل نمایند و یاری و پشتیبانی کنند و هم آهنگی خود را اظهار بدارند تا با تأیید خداوندی، قرآن و دین و آئین از مخاطرات مصون گردد، گویا اولیاء امور می خواهند این مملکت جعفری را به خاک و خون کشیده، با کشتن جوانان غیور با ایمان، کشور را به دست دشمنان اسلام و قرآن بسپارند وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا تَعْمَلُ الظَّالِمُونَ امید است به یمن حمایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداء، مورد عنایت کامله الهیه باشید و با مزید عزت و احترام مَقْضَى الْأَمْرَامِ از این گرفتاری مستخلص و مشمول کلمه مبارکه إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ گردید والسلام علیکم جميعاً.

سید محمد هادی الحسینی العیلاتی

و در تاریخ ۴۲/۵/۲ نیز ضمن اعلامیه ای مفصل و تقبیح دستگیری حضرت امام، مطالب دستگاه شاهنشاهی را به مردم گوشزد و آنان را به پایداری دعوت نمودند. و همچنین در ربیع الاول ۱۳۸۷ ضمن جواب از استفتاهای مختلفی که درباره انتخابات دوره ۲۱ مجلس شورای ملی شده بود، شرکت در انتخابات را تحریم و مخالفت با آن را وظیفه شرعی دانستند. دستگاه ظلم و ستم شاهنشاهی اقامت مرحوم آیه الله میلانی را مضر به مصالح خویش تشخیص داده و آن مرحوم را مجبور به ترک تهران کرد، که بعد از مراجعه به مشهد طی اعلامیه ای چنین اظهار داشتند:

ملت مسلمان ایران: همان طور که اطلاع دارید پس از آنکه متولیان ظلم و جنایت برخلاف تمام قوانین انسانی، خانه ام را در تهران محاصره کردند و مرا در خانه زندانی ساختند، روز هجدهم این ماه به طور ناگهانی مجبور نمودند تا طهران را ترک کنم و حتی یک روز مهلت توقف ندادند تا بازندانیان حکومت جور، حضرت آیه الله خمینی و... ملاقات و تودیع نمایم.... مبارزه موجود در سطحی





قرار ندارد که بتسوان آن را عقیم نمود... ملتی که کارد به استخوان رسیده بر اثر فشار ظلم و بیدادگری هیئت حاکمه، خود و با ایمان به صحت راهی که می‌رود، مبارزه را علیه حکومت فعلی، شروع کرده و تا رسیدن به مقصود و ایجاد یک حکومت مشروع و قانونی طبق وظیفه شرعی از پای نخواهد نشست... ملت مسلمان: در این راه موافق از مخالف و مؤمن از منافق شناخته شده و خداوند حجت خود را بر عموم تمام ساخت...

محمد هادی الحسینی المیلانی

رژیم ستمشاهی خواست این چراغ فروزان نهضت اسلامی را با تبعید حضرت امام خاموش سازد و لکن این نقشه شیطانی هم، نتیجه عکس داشت و اقامت اسلامی بیش از پیش به نهضت روی آورده و در انجام اهداف آن کوشید، مرحوم میلانی بعد از تبعید امام در سپیده دم روز ۱۳ آبان ۴۳، نامه‌ای خدمت حضرت امام مدظله العالی مرقوم داشته که در قسمتی از آن چنین آمده است: راه شما که وارث انبیاء علیهم السلام هستید، همان راه است که خدا برای پیغمبران اولوالعزم و ائمه هدی علیهم السلام معین فرموده. و دیگر اعلامیه‌ها و یا تلگرافات و نامه‌هایی که حاکی از روح سازش ناپذیر آن فقید سعید در مقابل رژیم سفاک پهلوی بود و ما همه آنها را به علت تراکم مطالب نیاوردیم.

### شاگردان ایشان

با شرحی که از موقعیت علمی مرحوم آقای میلانی و توجه حوزه‌های علمیه به ایشان داده شد، معلوم می‌گردد که اغلب فضلاء آن روز حوزه‌ها - مخصوصاً کربلا و مشهد - از شاگردان معظم له می‌باشند، که اکنون عده کثیری از آنان از شخصیت‌های علمی و بزرگان مدرسین و محققین می‌باشند. که در اینجا به نام برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

آیات و حجج اسلام:

حاج شیخ حسین وحید، سید ابراهیم علم الهدی سبزواری (مقرر بحث فقه و اصول استاد)، سید عباس صدر (مقرر بحث ایشان) حاج سید حسین شمس، حاج شیخ محمد رضا مهدوی دامغانی، محمد تقی جعفری تبریزی، مهدی نوقانی، محمود کلیاسی، کاظم مدیر



شانه چسی، حاج سیدنورالدین میلانی، حاج سید محمد شیرازی، شیخ محمدتقی عندلیب سبزواری، سید محمد باقر حجت طباطبائی (مقرر بحث ایشان)، آقای محمدعلی علمی (مقرر بحث ایشان که تقریرات او به چاپ رسیده است).

### شعاری از کسانی که اجازه روایتی از ایشان دارند آیات و حجج اسلام:

- ۱- سید ابراهیم علم الهدی، معظم له علاوه بر اجازه روایتی، اجازه اجتهاد از مرحوم آقای میلانی دارند.
- ۲- حاج شیخ مرتضی حائری یزدی (رحمة الله علیه) ۳- شهید سیدمحمد علی قاضی طباطبائی ۴- سیدنورالدین میلانی ۵- سیدمحمد سعیدعقبانی ۶- سیدعباس میلانی ۷- سید مرتضی عسکری ۸- شیخ محمدتقی جعفری تبریزی ۹- مرحوم سیدجلال الدین حسینی آرموی.

### فرزندان ایشان

- معظم له دارای سه فرزند ذکور بودند:
- ۱- حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدنورالدین، که اکنون مقیم شهرری می باشند و از تلامذه مرحوم والد و از علمای کربلا بودند و جای مرحوم والدشان در حرم مطهر حسینی اقامه جماعت می کردند و در آن حوزه مقدسه آثاری از خود - از جمله کتابخانه عمومی حضرت سیدالشهداء علیه السلام - باقی گذاشتند.
  - ۲- حجة الاسلام حاج سیدعباس میلانی، وی از علماء و ائمه جماعت نجف اشرف و مورد احترام بزرگان حوزه نجف و سایر طبقات مردم بودند که در سال ۱۴۰۵ در نجف اشرف از دنیا رفتند.
  - ۳- آقای حاج سیدمحمد علی میلانی

### وفات و مدفن

ایشان در روز جمعه آخرماه رجب المرجب ۱۳۹۵ قمری در مشهد، دعوت حق را





لیک گفت و مرغ روحش از قفس خاکی بسوی آشیان افلاکی بیرواز درآمد و پس از تشییع با شکوه در حرم مطهر حضرت رضا (ع) پشت سر مبارک با فاصله حدود ۷ متر، به خاک سپرده شد.

### مدارک مقاله

- ۱۱- نهضت روحانیون ایران تألیف حضرت حجة الاسلام جناب آقای علی دوانی
- ۱۲- آثار الحجة ج ۱/۳۶۰
- ۱۳- گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد از حجة الاسلام و المسلمین حاج سید علی خامنه‌ای ۸۲/۲۹
- ۱۴- اختران تابناک ج ۱/۴۲۹ تا ۴۳۵
- ۱۵- مشاهیر دانشمندان اسلام ج ۴/۱۶۸
- ۱۶- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت
- ۱۷- مؤلفین کتب چاپی ج ۶/۷۳۷
- ۱۸- وفيات العلماء از شاهرودی ۲۷۵/
- ۱۹- مخزن المعانی فی ترجمة العلامة المامقانی
- ۲۰- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی
- ۲۱- سیمای فرزندان ج ۳/۱۲۶-۱۲۵
- ۲۲- مجله درسهانی از مکتب اسلام شماره ۱۰ سال ۱۶ ص ۳۶-۳۳
- ۱- یادداشتها و خاطرات حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج سید علی میلانی که استفاده زیادی از آنها کرده‌ایم.
- ۲- معارف الرجال ج ۲/۲۹۵
- ۳- معجم رجال الفكر والادب فی النجف ۴۳۲/
- ۴- ماضی النجف و حاضرها
- ۵- گنجینه دانشمندان ج ۷/۹۸ تا ۱۰۵ و ص ۵۱۴
- ۶- علماء بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی
- ۷- مقدمه محاضرات فی الفقه الامامیه
- ۸- ستارگان درخشان (چاپ شده در ضمن کتاب زندگانی خاندان پیغمبر) ص ۳۱۸
- ۹- کتاب یادگار طوس از محمد شمس المحدثین خراسانی ص ۷۱
- ۱۰- یادداشت‌های مخطوط حضرت آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی (ره)

